

تطبیق جایگاه عرفان اسلامی و اندیشه ذن بودیسم در نقاشی‌های سهراب سپهری

چکیده

نقاشی و شعر به عنوان دو هنری که ارتباط نزدیکی با اندیشه‌ها و علایق فرد دارند، انعکاسی از باورهای مذهبی رایج و نمادهای مربوط به آن هستند. نقاشی و شعر هر دو از یک سرچشمه و یک منبع سیراب گشته‌اند و بر تفکرات و اندیشه‌های صاحب اثر منطبق‌اند. سهراب سپهری شاعر و نقاش دوره معاصر دارای سبک خاصی است که آثار او را از دیگران متمایز می‌سازد. مسئله‌ای که می‌توان مطرح کرد چگونگی انعکاس باورهای فرهنگی و اندیشه‌های عرفانی موجود در نقاشی‌های سهراب سپهری است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تحلیل محتوا به دنبال واکاوی سبک موجود در نقاشی‌های سهراب سپهری است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که سپهری در نقاشی‌های خود از اندیشه‌های عرفانی از جمله عرفان اسلامی و ذن بودیسم بهره جسته و آثار وی تحت تأثیر سلوک ذن می‌باشد. اغلب هنرمندان عارف مسلک از جمله سپهری به طبیعت که یکی از جلوه‌های آشکار خلقت هستی است، توجه بسیاری داشته‌اند. سپهری خداوند را کنار کاج بلند و لای شب بویا می‌بیند و احساس می‌کند. همچنین آثار سپهری دارای بن مایه‌های هنری و معنایی جهانی‌بینی عرفان از جمله عرفان اسلامی است. به‌طور کلی می‌توان چنین گفت که در ترکیب‌بندی و نحوه ترسیم نقاشی‌های سپهری اندیشه‌های عرفانی و سلوک ذن بودیسم به شدت تأثیرگذار بوده‌اند. همچنین وجود نمادهای سمبلیک عرفانی و ذن بودیسمی از جمله کوه، درخت و... در نقاشی‌های سپهری نشان‌دهنده طبیعت‌گرایی سپهری می‌باشد که خود یکی از اندیشه‌های عرفانی و اصول ذن بودیسم می‌باشد.

اهداف پژوهش

۱. بررسی تأثیر اندیشه ذن و عرفان اسلامی بر ترکیب نقاشی‌های سهراب سپهری.
۲. بررسی جنبه‌های نمادین عناصر طبیعت در نقاشی‌های سهراب سپهری با توجه به اندیشه ذن بودیسم و عرفان اسلامی.

سوالات پژوهش

۱. اندیشه ذن بودیسم و عرفان اسلامی چه تأثیری بر ترکیب‌بندی نقاشی‌های سهراب سپهری داشته است؟
۲. با توجه به اندیشه ذن، جنبه‌های نمادین عناصر طبیعت در نقاشی‌های سپهری چیست؟

واژگان کلیدی: عرفان اسلامی، ذن بودیسم، نقاشی، سهراب سپهری.

مقدمه

سهراب سپهری شاعر و نقاش محبوب ایرانی بود که در سال ۱۳۰۷ شمسی در کاشان دیده به جهان گشود. وی از شاعران برجسته دوره معاصر در ایران است. سپهری را باید به عنوان انسانی فرهیخته و والا شناخت که در نقاشی‌ها و شعرهایش تبلور یافته است. نقاشی و شعر او ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و بسیار به هم نزدیکند. از این جهت مرور زندگی و آثار هنرمندی که با این دو هنر آشنایی داشته و دست به آفرینش زده است، ضروری به نظر می‌رسد. سپهری در نقاشی‌هایش از پیچیدگی دوری جسته و به ساده‌گی روی می‌آورد. هم‌چنین او به کمک نمادها و با شیوه‌ای متفاوت، کشف، شهود و اشراق خود را به بیننده‌ی آثارش منتقل می‌نماید. سپهری برای القای احساسات و اندیشه‌های خود همواره از بیانی نمادین در انتخاب عناصر نقاشی‌هایش سود جسته است، بنابراین به نظر می‌رسد آثار سهراب سپهری اعم از اشعار و نقاشی‌هایش تحت تاثیر آموزه‌های مکتب ذن بودیسم بود. از ویژگی‌های اساسی و قابل تأمل نقاشی‌های سپهری، پیوستگی و همراهی با اشعار اوست. تعداد بی‌شماری از این آثار جزو شاهکارهای تصویری نه تنها ایران، بلکه جهان هستند. بینش یگانه و ذهنیت مشابه هنرمندان این آثار موجب پیوند درونی و همخوانی ذاتی ادبیات و نقاشی ایرانی شده است، به این دلیل که در رابطه با سپهری، با هنرمندی مواجهیم که در هر دو زمینه‌ی نقاشی و شعر کار کرده و آثاری ارزنده آفریده است. او را هنرمندی می‌شمارند که با نقاشی‌هایش شعر می‌گفته و با اشعارش نقاشی می‌کرده است. عارفان اسلامی خداوند را در تک تک مخلوقات او می‌بینند و احساس می‌کنند. اغلب هنرمندان عارف مسلک از جمله سپهری به طبیعت که یکی از جلوه‌های آشکار خلقت هستی است، توجه بسیاری معطوف داشته‌اند. اغلب مطالعات و مستندات موجود به بررسی و نقد تأثیر اندیشه‌های سپهری بر شعر او صورت گرفته و مطالب قابل ملاحظه و جامعی در رابطه با ماهیت نقاشی‌های او که کمتر وجود دارد لذا تحقیق جامع به منظور بررسی تأثیر و بازتاب اندیشه‌های عرفانی و ذن بودیسم در نقاشی‌های سپهری ضروری می‌باشد.

پیشینه تحقیق حاضر حاکی از این است که تاکنون اثری مستقل با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است اما پژوهش‌های متعددی به بررسی ذن در اشعار سهراب سپهری پرداخته‌اند. وکیلی (۱۳۷۹) در مقاله خود به بررسی «تأثیر آئین ذن بر اندیشه و آثار سپهری» پرداخت. او در مطالعه خود به دنبال هدف بررسی و تحلیل تفاوت‌ها و شباهت‌های عرفان سنتی شرقی با عرفان سهراب سپهری بود. به عقیده وکیلی نقاشی‌های سپهری به هنر هند و ژاپن نزدیک بوده و نمادهای عرفان شرق از جمله ذن و بودیسم در آثار او جلوه می‌کند (وکیلی، ۱۳۷۹). زعفرانلو و جعفری (۱۳۸۳) در مقاله خود به بررسی دید عرفانی و یا نگرش عارفانه در اشعار سهراب سپهری پرداختند. آن‌ها نتیجه گرفتند که توانایی سپهری در شعر، قدرت شاعرانه او در توصیف طبیعت، عناصر و اشیاء پیرامون، غیر قابل انکار و باور نکردنی است. با توجه به بررسی اشعار وی از نخستین منظومه تا آخرین آن می‌توان دریافت که بینش عارفانه سپهری در شعرهای بعدی وی آشکارتر است (زعفرانلو، جعفری، ۱۳۸۳). زمانی دارانی (۱۳۹۷) در کتاب خود با عنوان صدای پای

ذن با رویکرد به آثار سهراب سپهری، اندیشه‌های ذن بودیسمی سپهری را مورد واکاوی و تحلیل قرار داده است. نگارنده با نگاهی تطبیقی به بررسی تأثیرپذیری سپهری از اندیشه‌های ذن بودیسم می‌پردازد و در نهایت ردپای این اندیشه‌ها را در آثار سپهری تحلیل می‌کند. خیراله (۱۳۹۴) در کتاب خود به تحلیل و واکاوی عرفان شرقی در اندیشه سهراب سپهری پرداخته است. او عنوان کرده است که سپهری شاعری نوپرداز است که دنیای ذهن، اندیشه و شعر خویش را با تفکری عرفانی آمیخته است. سپهری با اشعارش به شیوه‌ای متفاوت، توانسته است کشف، شهود و اشراق خود را به مخاطبان نشان دهد (خیرالله، ۱۳۹۴). خرقانی (۱۳۹۵) در پژوهش خود به بررسی تحلیلی رابطه آثار تجسمی سهراب سپهری با عرفان اسلامی و بینش زیبایی‌شناختی ذن پرداخته است. در این پژوهش سعی شده ضمن بیان گوشه‌هایی از ابعاد زندگی سهراب و با گردآوری آراء و نظرات برخی منتقدان و هنرمندان شخصیت و ابعاد گوناگون هنر او به بررسی تأثیراتی که سپهری از اندیشه‌ای عرفان اسلامی و مکتب‌های فکری فلسفی دیگر همچون ذن بودیسم پذیرفته است و رابطه بین نقاشی‌های او، به ترسیم تفکرات و تجزیه و تحلیل آثار او پرداخته شود. یافته‌های خرقانی نشان می‌دهد سهراب از عرفان در اغلب آثارش بهره گرفته است (خرقانی، ۱۳۹۵). مطالعه حاضر به بررسی جایگاه و بازتاب اندیشه‌های عرفانی و ذن بودیسم در نقاشی‌های سپهری پرداخته است. تحقیق کنونی با رویکرد تحلیل محتوایی و توصیفی صورت گرفته است. مطالب این پژوهش بر اساس شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شد تا زوایای پنهان موجود درباره تأثیرپذیری نقاشی‌های سهراب سپهری از عرفان را روشن سازد.

نتیجه‌گیری

نقاشی‌های سهراب سپهری همانند اشعار وی دارای یک الگو و چهارچوب فکری مشخص و برگرفته از اندیشه‌های عرفانی شرق دور و ذن بودیسم است. وی در نقاشی‌هایش توجه خاصی به طبیعت معطوف داشته است. سپهری با یک ذهنیت روشن تنها لحظه‌ای که در حال حاضر وجود دارد را می‌بیند. مفاهیم ذن بودیسم از جمله سلوک هفت‌گانه آن عنصری کاملاً جدید برای توصیف‌های سپهری از طبیعت را به نمایش می‌گذارند. در مطالعه حاضر نتایج نشان داد که تقریباً هفت اصول و سلوک ذن در نقاشی‌های سپهری وجود داشت و بر روی آن تأثیرگذار بوده است. از طرفی دیگر در اغلب نقاشی‌های سپهری از وجوه نمادین طبیعت از جمله درخت، کوه، آب، سنگ و ماهی و... به کار گرفته شده است. همچنین این نشان‌دهنده طبیعت‌گرایی سپهری می‌باشد که خود یکی از اندیشه‌ها و اصول ذن بودیسم است. سپهری با تأثیرپذیری و الگوبرداری از آئین و آموزه‌های ذن بودیسم اندیشه‌های خود را در قالب نقاشی پیاده‌سازی می‌کند. سپهری توانسته است نگرانی‌ها و خواسته‌های انسان معاصر را که در مشکلات اجتماعی و سیاسی خود گرفتار شده‌اند، در نظر بگیرد. همچنین مضامین عرفان و تصوف در نقاشی‌های سپهری است که آثار او را متمایز ساخته است. برخی از مطالب عرفانی (ریشه) از جمله وحدت شهود، وحدت روح با عالم، تنهایی نفسانی، عشق و انقباض آن با عقل (خرد)، طبیعت‌گرایی، خوش‌بینی نفسانی، مرگ دوستی عرفانی و متضاد بودن در نقاشی‌ها و آثار سپهری کاملاً مشهود است. در نقاشی‌های سپهری بعد زیباشناسی را می‌توان آشکارا مشاهده نمود. اصول زیبایی‌شناسی برگرفته از

هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی در ترکیب با سنت‌های محلی است. به دلیل طبیعت فراگیر آن، همه جنبه‌های زندگی ژاپنی را تحت تأثیر قرار داده است و حتی تأثیرات عمیقی بر هنر معماری ژاپنی دارد. ذن بر آرامش درونی و آسایش جسمی تمرکز دارد. در نقاشی‌های سپهری همانند سایر ذن بودیسمان، ذن به شکلی گسترده زندگی درونی را در جهان بیرونی و برعکس مورد توجه قرار داده است.

منابع

امدادیان، یعقوب (۱۳۹۰)، روزنه‌ای به رنگ (مروری بر آثار نقاشی سهراب سپهری)، تهران: انتشارات موسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر.

پزشکی خراسانی، م (۱۳۸۰)، «تفکر و هنر ذن»، مجله هنر و معماری، شماره ۴۷، صص ۹۸-۸۶.

خدیور، هادی، حدیدی، سمیرا (۱۳۸۹)، عرفان سهراب سپهری، مطالعات نقد ادبی (پژوهش ادبی)، شماره ۱۹، صص ۸۲-۵۱.

خرقانی، محسن (۱۳۹۵)، بررسی تحلیلی رابطه آثار تجسمی سهراب سپهری با عرفان اسلامی و بینش زیبایی‌شناختی ذن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. غیر دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری.

خیراله، فریبا (۱۳۹۴)، عرفان شرقی در اندیشه سهراب سپهری، تهران: انتشارات حکمت و عرفان.

رفیع، مهدی (۱۳۹۴)، مساحت احساس (سهراب سپهری و هنر عرفانی در جهان معاصر)، تهران: انتشارات نی.

زعفرانلو، عالیه، جعفری، آریتا (۱۳۸۳)، عرفان در شعر سهراب سپهری، نشریه پازند، شماره ۳، صص ۲۲-۱۲.

ژاله، بهروز (۱۳۸۵)، جستاری درباره رویکردهای عرفانی سهراب سپهری، مجله مطالعات و تحقیقات ادبی، سال سوم، شماره ۱۳-۱۰، صفحات ۷۷-۶۱.

سوزوکی، د.ت (۱۳۷۸)، ذن و فرهنگ ژاپنی، برگردان پاشایی، ع، تهران: انتشارات میترا.

عابدی، کامیار (۱۳۷۷)، تپش سایه‌دوست (در خلوت ابعاد زندگی سهراب سپهری)، تهران: ناشر کامیار عابدی.

مریم، زمانی‌دارانی (۱۳۹۷)، صدای پای ذن با رویکرد به آثار سهراب سپهری، تهران: انتشارات جمال هنر.

نجفی پورا (۱۳۹۱)، بررسی اندیشه‌های سهراب سپهری در آثار نقاشی او، پایان‌نامه، دولتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دانشگاه هنر تهران، دانشکده هنرهای تجسمی.

واتز، آ. (۱۳۹۷)، طریقت ذن، ترجمه هوشمند ویژه، تهران: انتشارات بهجت.

وکیلی، ب (۱۳۷۹)، بررسی تأثیر آئین ذن بر اندیشه و آثار سپهری، نشریه هنرنامه، شماره ۷، صص ۱۰-۱.

- Brinker, H. (1973). Shusan Shaka in Sung and Yüan Painting. *Ars Orientalis*, 21-40.
- Cox, R. A. 2003. *The Zen Arts: An Anthropological Study of the Culture of Aesthetic Form in Japan*. USA: Routledge ۱-۲۷۲.
- Fischer, N. 2012. *Beyond Thinking: A Guide to Zen Meditation (Zen Master Dogen)*. Edited by Kazuaki Tanahashi, SHAMBHALA, Boston & London, 1-185.
- Flores, R. 2008. *Buddhist Scriptures as Literature: Sacred Rhetoric and the Uses of Theory*. State University of New York Press. Albany, ۱-۲۳۴.
- Heydari M. 2015. Sufism Themes in the Poems of Sohrab Sepehri and Mikhail Naimeh. *CLRJ*. 2015; 3 (1) :121-142
- Heriguel, O. 1971. *Zen in Archery*. Vintack Books, New Yourk, 1-116.
- Juniper, A. 2003. *Wabi Sabi: The Japanese Art of Impermanence*. Rutland, Tuttle Publishing, Simultaneously published in Tokyo, Rutland, Vermont, Singapore, ۱-۱۷۶.
- Lazer, H. (2006). Zen Buddhism and American Poetry: The Case of Gary Snyder. *International Journal of Education and Research* Vol. 2 No. 2 February 2014, 1-12
- Levinthal, D. and Rerup, C. 2006. Crossing an apparent chasm: Bridging mindfulness and less-mindful Perspectives on Organizational Learning. *Organization Science*. 17(4): 502-۵۱۳.
- Olson, C. 2000. *Zen and the Art of Postmodern Philosophy: Two Paths of Liberation from the Representational Mode of Thinking*. State Univ of New York Press, ۱-۳۴۷.
- Panahi, S., Cheraghifar, F & Talebian, Sh. 2018. An Investigation on Painting and Imagery in Zen, *Modern Applied Science*; Vol. ۱۲, No. ۹; ۲۰۱۸, ۲۰۰-۲۰۸.
- Park, J. Y. (2002) "Zen and Zen Philosophy of Language: A Soteriological Approach," *Dao Dao* ۱(۲):۲۰۹- ۲۲۸.
- Purser, Ronald E. (2013) "Zen and the Art of Organizational Maintenance," *Organizational, Aesthetics*: Vol. ۲: Iss. ۱, ۳۴-۵۸.
- Reynolds, E. 2009. *Chinese Painting: Philosophy, Theory, and the Pursuit of Cultivation through the Dao*. Independent Study Project (ISP) Collection. 805, 1-16
- Spurll GM. 2009. Zen and the art of painting. *CMAJ*. 2009; 181(8):E175–E179. doi:۱۰.۱۵۰۳/cmaj.۰۸۱۴۳۵.

- Suzuki, Yasushi. (2016). Sufism and Suzuki Shozan's Japanese Zen Teachings. *Islam and Civilisational Renewal*. 7. 443-456.
- Suzuki, D. T. 2010. *Manual of Zen Buddhism*, Oxford University Press, USA, Year: 2010, 1-84.
- Suzuki, D.T. 1957. *An Introduction to Zen Buddhism*. London: Rider & Company. 1-132.
- Wang, Y. 2003. *Linguistic Strategies in Daoist Zhuangzi and Chan Buddhism: The Other Way of Speaking*. London; New York: RoutledgeCurzon. 1-264.
- Weick, K., Sutcliffe, K., & Obstfeld, D. 2008. Organizing for high reliability: processes of collective mindfulness. In A. Boin (Ed.), *Crisis Management*: 31-66. Los AngelesCA: Sage Publications.
- Yoshizawa, K. 2009. *The Religious Art of Zen Master Hakuin* (trans. N. Waddell). Berkeley, CA: Counterpoint Press. 1-200.